



چون روز پنتیکاست فرا رسید، همه یکدل در یک جا جمع بودند 2 که ناگاه صدایی همچون صدای وزش تندبادی از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، به تمامی پر کرد 3. آنگاه، زبانه‌هایی دیدند همچون زبانه‌های آتش که تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت 4. سپس همه از روح القدس پُر گشتند و آن گونه که روح بدیشان قدرت تکلم می‌بخشید، به زبانهای دیگر سخن گفتن آغاز کردند. 5 در آن روزها، یهودیان خداترس، از همه ممالک زیر آسمان، در اورشلیم به سر می‌بردند 6. چون این صدا برخاست، جماعتی گرد آمده، غرق شگفتی شدند، زیرا هر یک از ایشان می‌شنید که آنان به زبان خودش سخن می‌گویند 7. پس حیران و بهت‌زده، گفتند: «مگر اینها که سخن می‌گویند جملگی اهل جلیل نیستند؟ 8 پس چگونه هر یک می‌شنویم که به زبان زادگاه ما سخن می‌گویند؟ 9 پارتها و مادها و عیلامیان، مردمان بین‌النهرین و یهودیه و کاپادوکیه و پونتوس و آسیا 10 و فریجیه و پامفیلیه و مصر و نواحی لیبی متصل به قیروان و نیز زائران رومی 11 (چه یهودی و چه یهودی‌شده)؛ و همچنین مردمان گرت و عربستان - همه می‌شنویم که اینان به زبان ما مدح اعمال عظیم خدا را می‌گویند.» 12 پس همگی متحیر و سرگشته از یکدیگر می‌پرسیدند: «معنی این رویداد چیست؟» 13 اما برخی نیز ریشخندکنان می‌گفتند: «اینان مست شرابند!» پیام پطرس 14 آنگاه پطرس با آن یازده تن برخاست و صدای خود را بلند کرده، خطاب بدیشان گفت: «ای یهودیان و ای ساکنان اورشلیم، این را دریابید و به آنچه می‌گویم به‌دقت گوش فرا دهید 15! این مردان، برخلاف آنچه شما می‌پندارید مست نیستند، زیرا هنوز ساعت سوم از روز است 16! بلکه این همان است که یوئیل نبی درباره‌اش چنین پیشگویی کرده بود: «17 خدا می‌فرماید: در روزهای آخر از روح خود بر تمامی بشر فرو خواهیم ریخت. پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، جوانان رؤیاها خواهند دید و پیران خوابها. 18 و نیز در آن روزها، حتی بر غلامان و کنیزانم، از روح خود فرو خواهیم ریخت و آنان نبوت خواهند کرد. 19 بالا، در آسمان، عجایب، و پایین، بر زمین، آیات به ظهور خواهیم آورد، از خون و آتش و بخار. 20 پیش از فرا رسیدن روز عظیم و پرشکوه خداوند، خورشید به تاریکی و ماه به خون بدل خواهد شد. 21 آنگاه هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.»

چون این را شنیدند، دلریش گشته، به پطرس و سایر رسولان گفتند: «ای برادران، چه کنیم؟» 38 پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان خود تعمید گیرید که عطای روح القدس را خواهید یافت .  
39 زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و همه کسانی است که دورند، یعنی هر که خداوند خدای ما او را خواند.»  
40 پطرس با سخنان بسیار دیگر شهادت داد و ترغیبشان کرده، گفت: «خود را از این نسل منحرف برهانید!» 41 پس پیام او را پذیرفتند و تعمید گرفتند. در همان روز حدود سه هزار تن بدیشان پیوستند.

پطرس، یوحنا، یعقوب و افرادی دیگر ده روز پس از صعود مسیح در اورشلیم ماندند. وقایع روزهای اخیر عمیقاً آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده بود. از یک سو، از اینکه عیسی واقعاً رستاخیز کرده و اکنون بر دست راست خدا جای دارد، بسیار شادمان بودند. از سوی دیگر، این احساس ناراحتی وجود داشت: «او را الان نمی بینیم.» و «چه بر سر ما خواهد آمد؟» عیسی گفته بود: «بروید و انجیل را به همه قوم‌ها موعظه کنید.» اما چگونه قرار بود همه این‌ها انجام شود؟ شاگردان در آن زمان مطمئناً کمترین صلاحیت را برای این کار داشتند. بیشتر آن‌ها جلیلی بودند. جلیلی‌ها لهجه‌ای خاص داشتند و برخی از خاخام‌ها به همین دلیل یک جلیلی را از خواندن تورات به صورت علنی منع کرده بودند. پس چگونه شاگردان می‌توانستند انجیل را به تمام جهان به زبان جلیلی اعلام کنند؟

با این حال، شاگردان آنچه را که عیسی دستور داده بود انجام دادند. به اورشلیم رفتند و منتظر روح القدس ماندند. اما نمی‌دانستند که همه این‌ها چه معنایی دارد. شاید برخی از شما پرسید: چرا روح القدس نمی‌توانست بلافاصله پس از صعود عیسی نازل شود؟ در آن صورت عیسی می‌توانست، به اصطلاح، رهبری را مستقیماً به روح القدس بسپارد و شاگردان اصلاً به این دوره انتظار نیاز نداشتند. من بر این باورم که این دوره انتظار میان صعود و پنتیکاست از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است. این دوره مهم است زیرا به ما نشان می‌دهد که ما به عنوان کلیسا به روح القدس وابسته‌ایم. پیش از پنتیکاست، پطرس همچنان همان شاگرد ترسو بود که حتی با کوچک‌ترین اشاره‌ای از سوی کنیز در حیاط معبد، انکار می‌کرد که عیسی را می‌شناسد. پس از پنتیکاست، با پطرسی متفاوت روبرو می‌شویم که آشکارا در برابر هزاران نفر درباره عیسی سخن می‌گوید.

آنچه در پنتیکاست اتفاق افتاد در اعمال رسولان با تصاویری قدرتمند توصیف شده است: آتش از آسمان، صدایی چون طوفان و دگرگونی کامل شاگردان. اما موضوع چندان درباره این نشانه‌ها نیست، بلکه درباره کسی است که ظاهر شد. به‌ویژه هنگامی که درباره روح القدس سخن می‌گوییم، وسوسه آمیختن روح القدس با روح انسانی بسیار قوی است، گویی روح القدس همیشه در انسان وجود دارد و تنها باید شعله‌ور شود. اگر چنین بود، کافی بود که دکمه‌های درست را فشار دهیم یا روش‌های مناسب را به کار ببریم، به اندازه کافی دعا کنیم، ایمان داشته باشیم یا خدا را با فداکاری واقعی بستاییم. اما حتی اگر این‌ها کارهای خوبی باشند، اگر از جانب انسان برآیند، ایمان نیستند و هیچ ربطی به خدا ندارند، فقط به دین.

شاگردان در آن زمان با وظیفه‌ای عظیم روبرو بودند: اعلام انجیل به تمام جهان. و زمان پیش از پنتیکاست نه دوره آموزش بود و نه حتی دوره آمادگی. صرفاً زمان انتظار بود. ما به عنوان کلیسا و شخص مسیحی این زمان انتظار را می‌شناسیم. ما نیز با وظایف ناتمام و چالش‌هایی روبرو هستیم، چه در زندگی شخصی و چه به عنوان کلیسا در کل. با توجه به مشکلات و چالش‌های فراوانی که پیش روست، می‌توان دست‌ها را بالا برد و تسلیم شد، یا در عمل‌گرایی افراطی فرو رفت. اما بهتر است به پنتیکاست بنگریم. چه چیزی تفاوت شاگردان را پیش و پس از پنتیکاست رقم زد؟ این که خود خدا از طریق روح القدس حضور داشت و عمل کرد. ما به عنوان کلیسا نمی‌توانیم روح القدس را به دست آوریم یا کسب کنیم. تنها می‌توانیم از او در خواست کنیم. به همین دلیل است که همه سرودهای پنتیکاست، دعا‌هایی برای روح القدس هستند. این سرودها، در میان چیزهای دیگر، به ما نشان می‌دهند که به روح القدس نیاز داریم. با تمام چالش‌هایی که در کلیسا و زندگی شخصی پیش روست، هیچ چیز بهتری نمی‌تواند برای ما رخ دهد جز این که دریابیم چقدر به خدا نیاز داریم.

و ناگهان، او آنجا بود. روح خدا بر شاگردان نازل شد و تمام جهان دریافت که چیزی رخ داده است. مطمئناً شاگردان عمیقاً دگرگون شدند و تقریباً می‌شد به صورت جسمانی حس کرد که اتفاقی برای آن‌ها افتاده است. اما نباید بر این رویدادهای بیرونی تمرکز کنیم. در طول سال‌ها دریافته‌ام که جلوه‌های بیرونی روح القدس در مردم مختلف بسیار متفاوت است و برخی از آن‌ها نیز ریشه فرهنگی دارند. در آفریقا، مردم می‌رقصند، از طبل و موسیقی بلند استفاده می‌کنند و واقعاً از نظر احساسی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اروپایی‌ها تمایل دارند خویشتن‌دارتر باشند. اما آنچه اهمیت دارد این جلوه‌های بیرونی روح نیست، بلکه آن چیزی است که در نتیجه آمدن او آشکار می‌شود.

می‌بینیم که پطرس، حتی با وجودی که خود نیز از روح دگرگون شده بود، می‌کوشید تا امور را روشن سازد: «بگذارید سخنان من به گوش شما برسد!» این به ما نشان می‌دهد که جلوه بیرونی روح تنها یک جنبه بوده است. در نهایت، موضوع فراتر از این است: موضوع اعلام انجیل است، به گونه‌ای که قابل فهم باشد. روح القدس ما احساسات انسانی را دوست ندارد، بلکه شفافیت می‌آورد. و این شامل آشکار ساختن گناهان نیز می‌شود. پطرس در موعظه‌اش ادامه می‌دهد و می‌گوید: «شما عیسی را مصلوب کردید و کشتید.» موعظه ما نیز نمی‌تواند از این نقطه بگذرد. هر جا که گناهی باشد و هر جا که از خدا روی برگردانده‌ایم، این گناه باید آشکار شود.

برای یهودیان آن روزگار، این سخنان نخست مثل ضربه‌ای بود. تا آن لحظه می‌پنداشتند که عیسی مرده است و دیگر نمی‌تواند خطری باشد. اکنون دریافته‌اند که بیش از پیش با این عیسی سروکار دارند، که این عیسی نه تنها پروردگار جهان، بلکه پروردگار شخص خودشان است. این درک، این پرسش را پدید آورد: «حالا چه کار می‌توانیم بکنیم؟» پطرس ادامه می‌دهد و انجیلی کاملاً شفاف را اعلام می‌کند: «توبه کنید و تعمید بگیرید، تا هدیه روح القدس را دریافت کنید!» این موعظه رسول به ما نشان می‌دهد که چقدر به روح القدس متکی هستیم. موعظه پطرس تنها ابزاری، بیش نبود. اگر همین کلمات را چند ساعت پیش‌تر گفته بود، بی‌اثر می‌ماند. اما اکنون روح القدس از طریق این موعظه عمل کرده بود و دل‌های مردم را لمس کرده بود.

با این حال، انجیل در درون نماند، بلکه به بیرون گسترش یافت. همین واقعیت که روح القدس به شاگردان موهبت موعظه به زبان‌های گوناگون را بخشید، نشان می‌دهد که روح القدس می‌خواهد به بیرون برسد و همه مردم را دربر گیرد. در آن زمان، سه هزار نفر به زبان‌های مختلف تعمید یافتند. تصور کنید: سه هزار نفر در یک روز در کلیسای لوقا تعمید بگیرند. می‌توانم تصور کنم که چه چالشی برای همه ما خواهد بود. معجزه پنطیکاست به ما نشان می‌دهد که موانع زبانی برطرف شد. روح القدس قرار نبود تنها به عبری، یونانی و آرامی سخن بگوید، بلکه قرار بود زبانی جهانی باشد. اورشلیم در آن زمان تنها نقطه‌ای بر روی نقشه بود. اما مردم از همه ملت‌ها از آنجا به سراسر جهان رفتند و همان پیامی را که از پطرس شنیده بودند، اعلام کردند. اما باز هم، موضوع تنها معجزه زبان‌ها نیست، بلکه درباره برداشتن موانع است تا انجیل به دل‌ها راه یابد. این درباره پدران و مادران یا پدر و مادر تعمیدی است که انجیل را به زبانی کودک‌فهم به فرزندان‌شان می‌آموزند. این درباره این است که کتاب مقدس را نه به عنوان کتابی کهنه و گردگرفته، بلکه به عنوان صدای خدای زنده‌ای بکشاییم که از درون ما سخن می‌گوید. این درباره کسی است که از این کلمات آرامش، نیرو و ایمان می‌گیرد. روح القدس این‌گونه عمل می‌کند!

آن‌گاه که شاگردان به زبان‌های گوناگون سخن می‌گفتند، همه این‌ها رخ داد. و مردم می‌پرسیدند: چه باید بکنیم؟ امروز ما همان پرسش را می‌پرسیم: «در برابر همه بحران‌های درون مان، در کلیسای مان و در جهان مان چه باید بکنیم؟» پاسخ همچنان همان پاسخ روشن روح القدس است: «توبه کنید و تعمید بگیرید، تا هدیه روح القدس را دریافت کنید.» آمین.